



حل مسئله  
در کلاس درس

# تحلیل مسئله

تمرین کوه یخ در چهار گام

لیلی محمدحسین  
تصویرگر: میثم موسوی

یکی از زیبایی‌های زندگی مدرسه‌ای، مسئله‌های نو برای هر سال و هرماه و هر روز است. گاهی اوقات ما معلمان در حل مسئله دچار ابهام و مشکل می‌شویم. در نوشته زیر با یکی از روش‌های حل مسئله آشنا می‌شویم!

در مقالات «حل مسئله در کلاس درس» سعی می‌کنیم با استفاده از تمثیل کوه یخ، یافتن راه‌حل‌های واقعی با نگرشی کل‌نگر (سیستمی) را با چهار گام تمرین کنیم. این گام‌ها عبارت‌اند از:

۱. تحلیل اتفاق یا مسئله؛
۲. یافتن الگوهای رفتاری در مسائل مشابه؛
۳. شناسایی عوامل و نیروهای مؤثر در مسئله؛
۴. تغییر عامل یا الگویی ذهنی که باعث به‌وجود آمدن مسئله شده است.

در این قسمت گام اول را معرفی می‌کنیم. در این گام، بدون شتاب برای یافتن راه‌حلی سریع، شناخت عمیق‌تری درباره مسئله پیدا می‌کنیم.

وقتی به مسائل آموزشی و پرورشی فکر می‌کنیم، گاهی احساس می‌کنیم به بن‌بست رسیده‌ایم و راهی جز گلایه از وضع موجود نمی‌یابیم. سرخوردگی و نومیدی ناشی از گلایه و شکایت، تنها باعث می‌شود از راه‌حل‌های ممکن غافل شویم و نتوانیم مسائل را حل کنیم. در بهترین حالت، به نادیده گرفتن مسائل بسنده می‌کنیم و سعی می‌کنیم با وضعیت موجود سازگار و در واقع تسلیم آن شویم. اگر کمی تأمل کنیم، به عقب برگردیم و از خود بیرسیم واقعاً چه انگیزه‌ای ما را به این حرفه کشانده و چه عاملی باعث شده است در این حرفه بمانیم، ممکن است ریشه خیلی از مسائل برایمان آشکار شود.

از ویژگی‌های بارز حرفه ما معلمان این است که با رشد انسان سر و کار داریم. بنابراین، رفتار و گفتار، نوع آموزش و شیوه حل مسئله ما به‌طور مستقیم بر چگونگی رشد دانش‌آموزان تأثیرگذار است.

شور و شوق ما هنگام آموزش، امیدواری ما در یافتن راه‌حل برای مسائل پیچیده و پشتکار ما در آزمودن راه‌های نرفته،

برای دانش‌آموزانمان الگو می‌شود. گاهی در مواجهه با مسائل جدید، سراغ راه‌حل‌های از پیش آزمون شده قدیمی می‌رویم و مشکلاتمان دوچندان می‌شود.

اگر برای حل مسائل سعی کنیم تصویر بزرگ‌تر را ببینیم و روابط پیچیده‌ای را که موجب به‌وجود آمدن مسئله شده است درک کنیم، راه‌حل پایدارتر و مؤثرتری می‌یابیم. برای دیدن تصویر بزرگ بهتر است صورت مسئله را با طرح سؤال‌هایی روشن‌تر کنیم. مسائل روزمره‌ای که در مدرسه یا کلاس درس برایمان رخ می‌دهند، غالباً مانند «نوک کوه یخ است». وقتی در اقیانوسی شناور هستیم و با نوک کوه یخ مواجه می‌شویم، باید آگاه باشیم که پایین‌تر از سطح کوه یخ، بخش بزرگی است که به آسانی دیده نمی‌شود و قابل توصیف نیست. در واقع، ظاهر رویدادها معمولاً فقط نشانه‌هایی از مسئله‌ای بزرگ‌تر را آشکار می‌سازند و برای حل مسئله واقعی باید به زیر سطح آب رفت. اگر بتوانیم به اعماق زیر آب سفر کنیم تا مسئله اصلی را درک کنیم، یافتن راه‌حل بسیار لذت‌بخش و همراه با یادگیری خواهد بود.

بیاید در این فرصت یک مسئله آموزشی را در نظر بگیریم؛ مثلاً انگیزه کم دانش‌آموزان برای یادگیری درسی مانند ریاضی. معلمی را تصور کنید که با شور و شوق فراوان و آمادگی کامل وارد کلاس می‌شود، ولی در مقابل دانش‌آموزانی کسل و خسته را می‌بیند که به گوش دادن و انجام تمرین تمایلی ندارند. تکالیفی را که تعیین می‌کند انجام نمی‌دهند یا از روی هم کپی می‌کنند. به نظر می‌رسد این معلم به بن‌بست رسیده است و کارش پیش نمی‌رود. به عبارت دیگر، دچار بحران شده است. در این وضعیت بحرانی خوب است فقط به اندازه ده تا پانزده دقیقه تفکر کنیم و به این سؤال‌ها پاسخ دهیم:

### معلم تاکنون در برابر این مسئله چه کرده است؟

- آیا دانش‌آموزان را سرزنش کرده است؟
- آیا اولیای دانش‌آموزان را دعوت کرده است تا آنان را از این جریان آگاه کند؟
- آیا تا به حال نوع تمرین‌ها و روش تدریسش را از دیدگاه دانش‌آموزان ارزیابی کرده است؟
- آیا سعی کرده است روش تدریسش را تغییر دهد؟
- از روش‌های دیگری برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان استفاده کرده است؟
- قبل از شروع درس، فعالیتی برای دست‌گرمی انجام داده است؟

- و آیا این فعالیت دست‌گرمی برای دانش‌آموزان خوشایند بوده است؟
- آیا مشکلات خارج از کلاس درس دانش‌آموزان را بررسی کرده است؟
- آیا به چگونگی ارتباطات بین دانش‌آموزان کلاس توجه کرده است؟
- آیا نظر همکاران دیگر را جویا شده است؟
- آیا دانش‌آموزان را متوجه کرده است که برای چه به مدرسه می‌آیند، آیا می‌دانند برای چه ریاضی می‌خوانند؟
- آیا به دانش‌آموزان فهمانده است یادگیری این درس در زندگی واقعی یا رسیدن به اهداف چه کمکی به آن‌ها می‌کند؟
- و ...

### و از همه مهم‌تر

- در برابر انجام ندادن تکلیف و یا گوش ندادن به درس، چه واکنشی نشان داده است؟
- آیا کلاس را با عصبانیت ترک کرده است؟ دانش‌آموزان را به کسر نمره پایانی یا سخت‌گیری بیشتر تهدید کرده است؟ خیلی اوقات، واکنشی عمل کردن ما، به جای تفکر درباره سؤال‌هایی از قبیل سؤال‌هایی که پیش‌تر مطرح شده‌اند، وضعیت را وخیم‌تر می‌کند. البته چنین واکنش‌هایی متداول و قابل درک‌اند، ولی اگر بدانیم که دانش‌آموز کلاس ما با محیط اطراف درگیر ارتباطات چندگانه و

پیچیده‌ای است و تنها دغدغه‌اش نشستن در کلاس و گوش دادن به ما نیست، متوجه می‌شویم که این وضعیت بحرانی تنها بخش قابل رؤیت از کوه یخی است که بخش اعظم و خطرناک آن در زیر اقیانوس پنهان شده است. ما قصد نداریم این کوه را دور بزیم، بلکه می‌خواهیم به این اقیانوس تاریک نفوذ کنیم و ساختاری را ببینیم که نوک قابل رؤیت را در هوا حفظ کرده است.

منابع

1. <http://teaching.monster.com/benefits/articles/6996-why-students-may-not-be-motivated-to-do-their-school-work>.
۲. سنگه، پیتر و همکاران (۲۰۱۲). خلق محیط یادگیرنده در کلاس، مدرسه و جامعه. ترجمه لیلی محمد حسین. انتشارات منظومه خرد. چاپ اول. ۱۳۹۷.